



فریضة عظيمة یا امر به معروف و نهی از منکر

معاونت فرهنگی ستاد مرکزی احیاء امر به معروف و نهی از منکر / ۱۳۷۳

دریافت شده از: پایگاه اطلاع رسانی ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان / [www.NemadeMehr.IR](http://www.NemadeMehr.IR)

## فهرست مطالب

مقدمه

پیشگفتار

فصل اول : امر به معروف و نهی از منکر در آیات قرآن

فصل دوم : امر به معروف و نهی از منکر در احادیث نبوی

امر به معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه

امر به معروف و نهی از منکر در احادیث سایر معصومین

فصل سوم : امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام خمینی (ره)

امر به معروف و نهی از منکر در کلام مقام معظم رهبری

فصل چهارم : امر به معروف و نهی از منکر در فتاوی امام خمینی (ره)

امر به معروف و نهی از منکر در استفتائات امام خمینی (ره)

امر به معروف و نهی از منکر در استفتائات مقام معظم رهبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ**

آل عمران آیه ۱۰۴

**مقدمه :**

در شرایطی که دشمن با استفاده از پیشرفته ترین سلاحهای فرهنگی و مجهزترین ابزار و امکانات تبلیغاتی، تمامی ارزشها و اصول ما را نشانه رفته و به تعبیر رسا و دردمندانه مقام معظم رهبری دامت برکاته «قتل عام فرهنگی» می کند، چه باید کرد؟

در تهاجم نظامی اگر چه آثار تخریبی و ویرانگر آن با همه بزرگی و عمق حتی یک هزارم آثار مرگبار تهاجم فرهنگی نمی توانست باشد و بلکه اصلاً قابل مقایسه نیست، زیرا که هر چند انهدام ذخائر و منابع مادی و مالی و تلفات انسانی فوق العاده داشت، ولی به لحاظ معنوی و فرهنگی، سازنده و مفید بود.

امام امت رضوان الله تعالی علیه وقتی برکات جنگی تحمیلی را برمی شمردند، انسان را غرور و افتخار فرار می گیرد و احساس سربلندی و عظمت می کند در حالیکه اهداف شوم تهاجم فرهنگی درست در جهت عکس نتایج حاصله از هشت سال دفاع و مقاومت مردانه در برابر تهاجم نظامی است.

آیا در چنین شرایطی بسیج همه نیروهای متعهد و دلسوز و انسانهای دردمند لازم نیست؟

آیا ایجاد قرارگاه رزمی فرهنگی و سنگرهای دفاعی ضرورت ندارد؟

چه باید کرد؟

آیا مکتب انسان ساز اسلام که رهگشای بشریت در همه مشکلات است، این مشکل عمده و حیاتی را چگونه حل می کند؟ و چه راه حلی ارائه می دهد؟ در این رابطه اضافه بر نسخه های کارساز و مؤثری همانند «نماز»

**که فرمود: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**

عنکبوت آیه ۴۵

و همچنین استفاده از نسخه ی شفابخش انوار طیبه ی قرآن کریم که فرمود:

اسراء آیه ۸۲

**و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ**

و رسول گرامی خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

### فَإِذَا تَبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ

درمان اساسی را اسلام در احساس مسئولیت و نظارت همگانی عامه مردم در جامعه بر حفظ ارزشها و فضیلتها دانسته و آنان را مأمور به مراقبت نسبت به اعمال و رفتار دیگر هممؤمنان خود در انظار عمومی و تذکر ارشاد نسبت اصلاح آنان و حتی در صورت نیاز و عدم وجود مفسده برخورد جدی و تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» را مطرح فرموده است.

و این مهمترین عامل سعادت و بقاء سلامت جامعه و دین است که امام باقر (علیه السلام) فرمود: **فَرِيضَةٌ**

**عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ.** وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۵

و این همان اکسیر حیات است که اگر نعوذ بالله متروک واقع شود به تعبیر امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشرار بر جامعه و مردم مسلط می شود و دعای ابرار به اجابت نمی رسد.

با توجه به اهمیت موضوع و حساسیت فوق العاده آن در شرایط کنونی که مکرر، مقام معظم رهبری موضوع را با عناوین مختلف مورد تأکید قرار داده، و ابعاد مختلف آن را تبیین فرموده اند، و بر لزوم احیاء این فریضه مهم در جامعه اصرار دارند شک نیست که تبلیغ و مبلغین محترم در این زمینه نقش عمده و اساسی را داشته و بالاخص در ایام نورانی ماه مبارک رمضان و لیالی متبرکه آن، قلوب مؤمنین برای گرفتن فرامین الهی و دستورات و احکام اسلامی آماده تر و حضور مردم در مساجد بیشتر و فرصت بسیار ارزشمندی است که این فریضه در ابعاد مختلف به عنوان مسئله اساسی روز و مهمترین وظیفه الهی برای مردم تشریح و تبیین شود.

اگر چه مبلغین و فضلاء محترم بحمدالله عنایت و اطلاعات لازم و کافی را در این زمینه دارند، ولی از باب تذکر و مساعدت بر آن شدیم که فهرستی از مطالب قابل توجه در این زمینه را جمع آوری و به عنوان منابع و مستندات موضوع جهت سهولت مراجعه و بهره برداری در اختیار مبلغین عزیز قرار دهیم تا شاید سهمی هر چند ناچیز در اداء دین نسبت به این فریضه مهم الهی ایفا نموده، و با شما عزیزان همراه باشیم.

آنچه در اختیار شما قرار می گیرد عبارتست از:

- **پیشگفتاری** در زمینه ریشه ها و عوامل فرهنگی در ترویج مفاسد و منکرات در جامعه

- **فصل اول:** آیات کریمه قرآن در باب امر به معروف و نهی از منکر

- **فصل دوم:** احادیث و روایات گرانقدر نبوی (صلی الله علیه و آله) نهج البلاغه و سایر معصومین (علیهم السلام) در باب امر به معروف و نهی از منکر

- **فصل سوم:** امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری دامت برکاته

- **فصل چهارم:** احکام امر به معروف و نهی از منکر

چند نکته و تذکر:

۱- یکی از عوامل عمده و اصلی در تأثیر بیان و موفقیت امر به معروف و نهی از منکر و احیاء این فریضه مقدس، قصد قربت و اخلاص است که در تمامی مراحل، حتی در تبلیغ این فریضه نیز نقش کلیدی دارد.  
۲- یکی دیگر از مهمترین عوامل تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر، عامل بودن خود آمر و ناهی است که بسیار مؤثرتر از گفتار و بیان است.

۳- در تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر علم به مصادیق معروف و منکر و تأکید بر ضروریات دین مبین و پرهیز از طرح شبهات، از نکات قابل توجه است.

۴- آنچه خدمت شما ارائه شده است، منابع و مستنداتی از آیات، روایات، احکام و بیانات مقام ولایت فقیه است.

تکمیل مطالب جهت سخنرانی و استفاده از شیوه های جالب ائمه معصومین (ع) در امر به معروف و نهی از منکر و همچنین نمونه های تاریخی و مطالعه در این زمینه بسیار مفید، بلکه برای تکمیل مطلب لازم است و بدین منظور چند نمونه کتاب جهت مطالعه معرفی می شود:

۱- امر به معروف و نهی از منکر آیت الله حسین نوری

۲- امر به معروف و نهی از منکر آیت الله شهید دستغیب

۳- دو فریضه ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر سید جعفر میرعظیمی

۴- شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر دادسرای مبارزه با منکرات

۵- امر به معروف و نهی از منکر نیروی مقاومت بسیج

۶- امر به معروف و نهی از منکر معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش

۵- در بیان مطالب و تبلیغ، اگر یک دسته بندی موضوعی مناسب انجام گیرد و از منابع در جهت تشریح موضوعات مذکور استفاده شود، بسیار مناسب بوده و در اذهان شنوندگان بهتر خواهد ماند.

به عنوان مثال موضوعاتی نظیر :

- الف- وجوب امر به معروف و نهی از منکر
- ب- اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر
- ج- آثار و فوائد امر به معروف و نهی از منکر
- د- حیطة و گستره امر به معروف و نهی از منکر
- ه- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر
- و- مراتب و مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر
- ز- آثار سوء ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ح- شیوه های مناسب امر به معروف و نهی از منکر
- ط- اهداف دشمن از ترویج مفساد و منکرات
- ی- مصادیق بارز معروف و منکر

۶- در مصادیق بارز معروف و منکر می توان به موضوعات ذیل اشاره کرد :

الف- مصادیق معروف های قابل توجه

نماز - روزه - خمس - زکات - امر به معروف و نهی از منکر - احسان به والدین - صله رحم - اطاعت از ولی فقیه - ازدواج در صورت خوف از حرام و ...

ب- مصادیق منکرات قابل توجه

غیبت - تهمت - آزار به همسایه - عاق والدین - تضعیف نظام اسلامی - رشوه دادن و رشوه گرفتن - نگاه کردن به نامحرم - دروغ گفتن - سوء ظن - عدم دقت در حفظ بیت المال - اسراف در مصرف - خود را در معرض نامحرم قرار دادن و ...

۷- در صورت امکان در ماه مبارک رمضان به تشکیل گروههای امر به معروف و نهی از منکر، از میان مردم و هماهنگی و هدایت آنها به صورت آزمایشی با رعایت کلیه جوانب، شرایط، مراحل و مسائل اقدام گردد.

۸- با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر و درآمدن آن به صورت فرهنگ عمومی، تأکید و تشریح و تبلیغ لازم صورت گیرد.

- ۹- در میان آثار سوء ترک این فریضه ، با استناد به فرمایش امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مسأله سلطه اشراک تأکید بیشتری شود.
- ۱۰- در بیان مصادیق و انتقاد از مفاسد ، دقت شود تا ناخواسته موجب تضعیف نظام و ایجاد یأس در مردم نگردد.
- ۱۱- به توطئه های شوم دشمنان در جهت تهاجم فرهنگی و ترویج فرهنگ ابتدال در جامعه، به خصوص در میان نسل جوان و دانش آموزان برای رسیدن به اهداف و مقاصد پلید و ضرورت توجه جدی به این حرکت نیز ، پرداخته شود.
- ۱۲- از کسانی که آمر به معروف و ناهی از منکر هستند و یا به صورت ممتاز عامل به معروف و تارک منکر هستند، به نحوی که مسأله ساز نباشد و مشکل دیگری نداشته باشد به منظور تشویق دیگران در این مسیر ، تقدیر مناسب و شایسته در حضور دیگران و یا به صورت انفرادی به عمل آید.
- امید است خداوند متعال توفیق شناخت وظیفه و عمل به آن و همچنین احیاء این فریضه مقدس را که از اهم وظایف است به همه ما عنایت فرماید و لباس فرج بر اندام مبارک حضرت ولی عصر (عج) که بزرگ احیاگر معروف و ناهی از منکر در جهان است بپوشاند و همه ما را از جمله یاران مخلص در رکابش قرار دهد و سایه مقام معظم رهبری تا ظهور دولت حقه مهدی موعود بر سر مسلمین جهان مستدام باشد.

**والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ**

**نیمہ شعبان ۱۴۱۵**

**معاونت فرهنگی ستاد مرکزی احیا امر به معروف و نهی از منکر**

## تهاجم فرهنگی

### بستر رشد مفاسد و منکرات

آنچه که ما مسلمانان را از سایر مکاتب فکری ممتاز می گرداند، معارف و تعالیم الهی محکم و انسان ساز است؛ چرا که اسلام هدفی جز انسان سازی دنبال نمی کند. سایر شئون اجتماعی همگی زمینه ساز محیطی برای تعالی بخشیدن به انسانها می باشد.

لذا امروز که به فضل الهی جمهوری اسلامی بر مبنای چنین تعالیمی در جهان ظهور نموده است ، نباید فراموش نمود که آنچه رکن اصلی انقلاب ماست ، شئون فرهنگی آن است. نظام ما یکی نظام مبتنی بر فکر و فرهنگ است. اقتصاد ما و سایر امور اجتماعی کشور در تمهید محیط فرهنگی مناسب، برای ساختن انسانهایی با آرمانها و ارزش های الهی هستند. ایجاد چنین فضایی در گرو بهره گیری از ذخایر فرهنگ اصیل اسلامی است.

از سوی دیگر ، قدرت ما در معادلات جهانی ، به قدرت فرهنگی عظیم ما بستگی دارد. چرا که همهی قدرت های بزرگ از وجود انقلاب اسلامی در هراسند و آنرا خطرناک برای خود می دانند. آمریکا، جمهوری اسلامی را اولین خطر امنیتی خود دانسته است.

بنابراین وظیفه تک تک ما حراست از این منبع قدرت و عظمت و حراست از انقلاب اسلامی و ارزشهای والای آن است.

آری شرایط حساس است و مسئولیت بس بزرگ، و از این روست که امام راحل (ره) فرهنگ یک جامعه را مبداء تمام خوشبختیها و بدبختیهای یک ملت معرفی می نمایند:

«فرهنگ مبداء تمام خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، جوانانیکه در این فرهنگ ناصالح تربیت می شوند در آتیه فساد ایجاد خواهند کرد. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می دهد. فرهنگی که با نقشه ای اجانب تربیت یافته و اجانب نقشه کشیده اند و به صورت فرهنگ به



ما تحویل می دهند، چنین فرهنگی فرهنگ استعماری و انگلی است... اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد جوانان ما همه صحیح ساخته می شوند.»<sup>۱</sup>

و یا رهبر معظم انقلاب اسلامی از تهاجم فرهنگی تعبیر به «شیخون فرهنگی» نموده و می فرماید «من یک وقتی گفتم شیخون فرهنگی دارند می زند خدا می داند راست است. بعضی ها نمی فهمند، صحنه ها را، نمی بینند. آن کسی که صحنه را می بیند ملتفت است که دشمن دارد چه کار می کند. می فهمد که شیخون است، چه شیخونی هم هست.»<sup>۲</sup>

رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) شهد گوارایی بود که تشنگی مان را تسکین بخشید و طنین گرمی بود که حرارتی جان فزا به ما داد. به درستی که در جهان امروز بیش از هر زمانی نیازمند چنین نصایح گران قدری هستیم. جهانی که دچار دگرگونی های عظیم ارتباطی و در پی آن سلطه نامرئی فرهنگ مهاجم غرب شده است.

جهان امروز به علت توسعه جمعیت و مراودات انسانی، پیشرفت تکنولوژی و ابزار مخابراتی، گسترش تجارت و حمل و نقل دستخوش تغییر و تحولات فرهنگی عمیقی شده است. در این میان پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، خصوصاً ماهواره های مخابراتی و اطلاعاتی همراه با گسترش صنایع کامپیوتر و روش های جدید و جذاب ارسال امواج و تصویر از مسافتهای بسیار دور عملاً «الگوی جهان بدون مرز» را محقق ساخته است. با کمال تأسف، غرب به پشتوانه رشد و تکنولوژی با استفاده از تمام امکانات پیشرفته ارتباطی و اطلاعاتی، کشورهای دیگر را مورد هجوم شدید قرار داده، و برای پیشبرد اهداف سلطه طلبانه خود به نابودی و تضعیف فرهنگ و هویت ملی این جوامع و در نهایت هضم آنها در نظام ارزشی غرب؟! کمر بسته است.

در این میان با پایان یافتن جنگ سرد و کمرنگ شدن ابزار نظامی در روابط بین الملل آنچه در نظریه های نوین تسلط به چشم می خورد «فتح مغزها» به جای «فتح سرزمینها» است. در چنین شرایطی صاحبان ابزار هجوم فرهنگی و ارتباطی در یک لحظه می توانند یک واحد فرهنگی، اعتقادی مشترک را در تمام نقاط جهان تحت پوشش امواج تبلیغاتی خود قرار دهند تا طرح معروف یکی از طراحان بزرگ غرب یعنی مارشال

---

۱ - پیام حضرت امام (ره) به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا

۲ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از اساتید، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و کارگران سراسر کشور

مک لوهان ، معروف به طرح « دهکده جهانی» را جامه عمل بپوشاند. شایان ذکر است که مک لوهان در طرح خود برای این دهکده (جهان) رهبری قائل است و آنرا آمریکا می داند که همه‌ی افراد این قبیله (جهان) می بایست از آن تبعیت محض داشته باشند.

پس می بینیم در فرضیه های جدید سلطه آنچه مهم است، فتح دیگر نقاط جهان و سپردن مقدرات امور این دهکده جهانی به دست قدرتی چون آمریکا است. و در چنین هجومی، تکیه، بر ابزار و قدرت نظامی نیست، بلکه هجوم فرهنگی و تسخیز مغز و روان انسانهاست.

در چنین هجومی که با استفاده از ابزار پیشرفته ارتباطی انجام می شود، غرب به دنبال تبلیغ و ترویج چه ارزشهایی است؟

برای پاسخ به این سؤال باید در نگاهی کلی ارزش های حاکم بر جوامع غربی مد نظر قرار داد :

اومانيسم یکی از محورهای فرهنگ غرب است ، فرهنگ اومانيستي دقیقاً اصالت را به چیزی می دهد که جدید و نو باشد و هر چیزی را که قدمت دارد، حتی اعتقادات و آداب و رسوم را مطرود می داند. فرهنگی که اساس آن خود مرکزی و خودمحوری انسان است (اگوسانتريسم) و هیچگونه کاری به مذهب و ارزش های معنوی در جامعه ندارد.

ليبراليسم و بعد جدی آن در غرب حاکم مطلق است در غرب فریاد ليبراليزم جدید گوش هر انسان پاکی را آزار می دهد. فریادی که آزادی از خدای آزادی از دین و اسارت هوای نفس و فریاد اینکه : «بهشت در روی زمین است» را! آنچنان سر داده که یکباره همه‌ی مفاهیم معنوی و الهی را در حاشیه قرار می دهد، در چنین بینشی است که فلسفه‌ی اپیکوريسم (فلسفه لذت گرائی) در بعد منفی آن بالاخص در بعد ثروت و شهوت مطرح می شود.

آنچه در غرب حقیقتی انکارناپذیر است ، فلسفه اصالت نفع است (یوتی لیتاریانیسم) در این فلسفه هرگونه حرکتی که سود مادی در آن نباشد ، تخطئه می شود.

با توجه به اشاره‌ی مختصری که به ارزش های حاکم بر جوامع غربی شد ، می توان به عمق خطری که جامعه اسلامی ما را تهدید می کند، پی برد. هدف دشمن حاکمیت و اومانيسم، ليبراليسم، فلسفه سوداگرایی، غفلت از ارزش های الهی ، معنوی ، ملی و ... در میان ماست و در راه اولین هدف شوم و نامبارک ، در حرکتی منسجم و حساب شده ، هویت و موجودیت ما را هدف گرفته است.

آری سعی و تلاش خباثت آمیز دشمن در هجوم فرهنگی خودف برای مسخ جامعه‌ی انقلابی، ما را به ارزش سخنان گرانمایه‌ی امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) در عرصه خطیر نبرد فرهنگی، به مقابله با هجوم گسترده دشمن بشتابیم، و این نکته را باور کنیم که غریبها آنقدر نقاط ضعف و آسیب پذیری دارند که در برابر غنای فرهنگی اسلام و جامعه‌ی انقلابی مجبور به عقب نشینی می شوند و همچون دیگر عرصه های رویارویی با انقلاب اسلامی ناکام می مانند.

مسلماً در این مقابله، معرفی اسلام ناب محمدی (ص) با استفاده از تمام امکانات، ابزارهای ظریف تبلیغاتی و هنرمندان متعهد و توانا و نیروهای مسلمان خودی در تمام عرصه های نبرد فرهنگی ضرورت دارد. و همچنین استفاده از شرایط زمانی مناسب همانند ماه مبارک رمضان و ماه محرم که جامعه آمادگی های بیشتری جهت فراگیری و پذیرش معارف ارزشمند اسلامی را دارد بسیار مؤثر خواهد بود.

## فصل اول

### امر به معروف و نهی از منکر در آیات کریمه قرآن

۱- **يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ**

آل عمران ۱۱۴

ایمان به خدا و روز قیامت می آورند و امر به خوبیها و نهی از بدیها می کنند و در نیکوکاری می شتابند.

۲- **الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الْأَمِّيَّ ... يُأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَهُم عَنِ الْمُنْكَرِ** اعراف ۱۵۷

آنانکه پیروی کنند از پیغمبر امی ... (که آن رسول) امر به خوبیها و نهی از زشتی ها می کند.

۳- **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ**

آل عمران ۱۰۴

و باید از شما مسلمانان باشند ، برخی که به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی نمایند و اینان رستگاران خواهند بود.

۴- **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ**

آل عمران ۱۱۰

شما نیکوترین امتی هستید که از میان مردم ظاهر و خارج شدید؛ مردم را به نیکوکاری امر ، و از بدکاری باز می دارید و به خدا ایمان آورده اید.

**۵- خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین**

(ای رسول ما) طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن (چنانچه نپذیرند) از مردم نادان روی برگردان.

**۶- یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من**

لقمان ۱۷

**عزم الامور**

ای فرزند عزیزم نماز را به پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و صبر پیشه کن بر آنچه از سختی ها در این راه به تو می رسد که این صبر و تحمل درباره ی تربیت و هدایت خلق نشانه ای از عزم ثابت (مردم بلندهمت) در امور لازم امت است.

**۷- ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی**

نحل ۹۰

همانا خدا فرمان می دهد به عدل و احسان و بذل و عطا به خویشاوندان و نهی می کند از افعال زشت و منکر و ظلم .

**۸- المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر و ینهون عن المنکر**

توبه ۶۷

مردان و زنان منافق برخی از بعضی دیگرند ( و در مجموع مثل هم هستند) به کار بد و امی دارند و از کار نیکو منع می کنند.

**۹- و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر**

توبه ۷۱

مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند به کار نیکو امر و از کار زشت نهی می کنند.

۱۰- التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون

عن المنكر و الحافظون لحدود الله توبه ۱۱۲

توبه کنندگان، عبادت کنندگان، حمد و شکر کنندگان ، روزه داران، نماز گزاران با خضوع، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی (همه اهل ایمانند)

۱۱- الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزكات و امر و بالمعروف و نهو عن المنكر

و لله عاقبت الامور حج ۴۱

(آنان که خدا را یاری می کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکن دهیم ، نماز و زکات را به پا داشته و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها، به دست خداست.

۱۲- كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه مائده ۷۹

آنها هیچگاه از بدکشی و کار زشت خود، (با آن همه پند و اندرز رسولان حق) دست برنداشتند.

## فصل دوم

امر به معروف و نهی از منکر در کلام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)،

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر معصومین (علیه السلام)

بخش ۱

امر به معروف و نهی از منکر در کلام حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

۱- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله)

من رأى منکر فغیره بیده فقد برىء و من لم یستطع ان یغیره بیده فغیره بلسانه فقد برىء و  
من لم یستطع ان یغیره بلسانه بقلبه فقد برىء و من لم یستطع ان یغیره بلسانه بقلبه فقد  
برىء و ذلك اضعف الايمان  
میزان الحکمه ج ۶ ص ۲۷۵

هر کس منکری را مشاهده کند و از ان جلوگیری کند بی گناه است و هر کس که قدرت جلوگیری عملی را  
ندارد و با زبان ان را انکار کند بی گناه است و هر کس که نمی تواند با زبانش انکار کند با قلبش آن را انکار  
کند، بی گناه است و این ضعیف ترین درجه ایمان است.

۲- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله)

لا یزال الناس بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البر و التقوی ، فاذا لم  
یفعلوا ذلك نزع عنهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لا  
فی السماء  
وسائل الشیعه ج ۱۱

خیر و برکت در میان مردم از بین نمی رود تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر  
خوبی یاری دهند و هرگاه این امور را انجام ندهند، برکات از آنها گرفته می شود بعضی از آنها بر بعضی  
دیگر سلطه پیدا می کنند و هیچ یآوری در زمین و آسمان برای آنها نخواهد بود.

### ۳- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

من كان أمرا بالمعروف فليكن امره كذلك بمعروف شرح فارسی شهاب الاخبار ص ۵۸

هر کسی که به معروف فرمان می دهد باید کار خودش به صورت معروف باشد.

### ۴- الحسن بن محمد الديلمی فی الارشاد عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) قال قيل

له لا تأمر بالمعروف حتى نعمل به كله و لا نهى عن المنكر حتى ننتهى عنه كله فقال

لا بل تأمروا بالمعروف و ان لم تنتهوا عنه كله و انهوا عن المنكر و ان لم تنتهوا عنه

كله وسائل الشيعه ج ۱۱ ص ۴۲۰

حسن بن محمد دیلمی در کتاب ارشاد القلوب می گوید :

در محضر حضرت رسول خدا (صلى الله عليه و آله) گفته شد :

ما به معروفی امر می کنیم که خود، آن را هیچ ترک نکرده باشیم و از منکری نهی می نمایم که خویشتن

هیچوقت آن را مرتکب نشده باشیم آن حضرت فرمودند :

این کار را نکنید بلکه به معروفی که احياناً ترکش کرده اید امر کنید و از منکری نیز که گاهی مرتکبش می

شوید نهی نمایید و نهی از منکر کنید اگر چه از همه بدی ها اجتناب نمی کنید.

### ۵- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

«لقد اوحى الله تعالى الى جبرئيل و امره ان يخسف ببلد يشتمل على الكفار و الفجار ، فقال

جبرئيل : يا رب اخسف بهم الا بفلان الزاهد ليعرف ماذا يامرهم الله فيه، فقال عزوجل : اخسف

بفلان قبلهم. فسأل ربه فقال : يا رب عرفنى لم ذلك و هو زاهد عابد؟ فقال عزوجل : مكنت

له و اقدرته فهو لا يامر بالمعروف و لا ينهى عن منكر و كان يتوفر على حبههم فى غضبى!

فقالوا يا رسول الله فكيف بنا و نحن لا نقدر على انكار ما شاهدناه من منكر؟ فقال رسول الله

صلى الله عليه و آله : لتأمرن بالمعروف و لتنهين عن المنكر او ليعمنكم عذاب الله ! ثم قال



«ص»: من رای منکم منکرا فلینکره بیده ان استطاع، فان لم یستطع فبلسانه، فان لم یستطع

فبقلبه» وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۰۷

«خداوند به جبرئیل وحی کرد و بدو فرمان داد که شهری که در آن عده ای از کفار و بدکاران بودند، به زمین فرو ببرد. (جبرئیل برای این که دقیقاً فرمان خدا را درک کرده باشد) گفت: پروردگارا آیا همه را به زیرزمین فرو برم، جز آن زاهد پارسا را؟ خدا فرمود: او را پیش از دیگران، به زمین فرو برد. جبرئیل پرسید: پروردگارا، به من بگو چرا چنین کنم در حالی که او پارسا و عابد است؟ خداوند فرمود: به او امکانات دادم و او را قدرتمند ساختم، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند و در حالت غضب و خشم من، محبت و دوستی آنان را اهمیت می دهد. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیده شد که وضع ما چگونه خواهد بود، در حالی که ما قادر نیستیم آنچه را از منکرات می بینیم، رد کنیم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا حتماً امر به معروف و نهی از منکر می کنید یا اینکه عذاب خدا قطعاً همه شما را شامل خواهد شد. سپس فرمود: هرکس از شما منکر را ببیند، باید با دست مانع از انجام آن شود اگر نتوانست با زبان و گزرنه با قلب و دل خویش، آن را رد کند.»

۶- قال رجل من خثعم: یا رسول الله اخبرنی ما افضل الاسلام؟

قال: الایمان بالله، قال: ثم ماذا قال: صله الرحم، قال: ثم ماذا؟ قال: الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، قال: فقال: الرجل: فاخبرنی ای الاعمال ابغض الی الله، قال: ثم ماذا؟ قال: ثم قطیعه الرحم، قال: ثم ماذا؟ قال الامر بالمنکر و النهی عن المعروف وسائل الشیعه ج

۶ ص ۳۹۶

مردی از اهل خثعم عرض کرد: یا رسول الله، بهترین چیز و برترین آن در اسلام چیست؟ فرمود: ایمان به خدا، گفت: پس از آن چیست؟ فرمود: صله رحم (و پیوند خویشاوندی) گفت: پس از آن چیست؟ فرمود: امر به معروف و نیکی، و نهی از منکر و زشتی، فرمود: پس از آن، آن مرد گفت: به من خبر ده که مبعوض ترین و دشمن ترین اعمال پیش خدا چیست؟ فرمود: شرک به خدا «شریک قائل شدن برای خدای متعال: گفت: پس از آن چه؟ فرمود: قطع رحم «و ترک خویشاوندان نمودن» گفت: پس از آن چیست؟ فرمود: امر به زشتی و نهی از خوبی.

۷- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) :

«إذا لم يأمروا بالمعروف و لم ينهوا عن المنكر و لم يتبوا الاخيار من اهل بيتي ، سلط الله

عليهم اشرارهم فيدعوا عند ذلك خيارهم فلا يستجاب لهم» تحف العقول ص ۵۱

هرگاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیروی از برگزیدگان اهل بیت نمایند خداوند بدان خودشان را برایشان مسلط گرداند پس نیکان آنها هم دعا کنند و مستجاب نگردد.

۸- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) :

«من امر بمعروف او نهى عن منكر او دل على خير او اشار به فهو شريك ، و من امر بسوء او

دل عليه او اشار به فهو شريك» وسائل الشيعه ج ۱۱ ص ۳۹۸

کسی که امر به معروف یا نهی از منکر نماید یا بر «کار» خیر راهنمایی کند یا اشاره به آن نماید او «در آن کار نیک با انجام دهنده اش» شریک است.

۹- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) :

الا احدثكم عن اقوام ليسوا بانبياء و لا شهداء يغبطهم يوم القيامة الانبياء و الشهداء بمنازلهم

من الله ، على منابر من نور ، فقل : من هم يا رسول الله ؟ قال : هم الذين يحبون عبادالله

الى الله ، و يحبون عبادالله الى ، قال : يأمرونهم بما يحب الله و ينهونهم عما يكره الله ، فاذا

اطاعوهم اجهم الله بحارالانوار ج ۲ ص ۲۴

خبر ندهم شما را از قوم هایی که نه پیامبرانند و نه شهدا که روز قیامت انبیاء و شهدا از منازل و مقاماتی که خدا به آنها عطا کرده غبطه می خورند «شاید مقصود از غبطه خوردن سرور و خوشحالی انبیاء و شهداء باشد

نه آرزوی منزلت و مقام آنها» و آنها روی منبرهایی از نور هستند، گفته شد: یا رسول الله آنها کیانند؟

فرمود : آنها کسانی هستند که بندگان خدا را به سوی خدا دوست می کنند ، و بندگاه خدا را به من دوست

می کنند، فرمود : آنها را امر می کنند به آنچه که خدا دوست می دارد، و نهی می نمایند از آنچه که خدا

بدش می آید، پس وقتی اطاعت کردند آنها را «امر به معروف کنندگان را» خدا دوستشان دارد.

۱۰- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

ما اعمال البر عند الجهاد فى سبيل الله الا كنفثه فى بحر لجمى و ما جميع اعمال البر و الجهاد فى سبيل الله عند الامر بالمعروف و النهى عن المنكر الا كنفثه فى بحر لجمى وافى ج ۲ ص

۲۸

همه کارهای نیک نسبت به جهاد در راه خدا مانند قطره نسبت به دریاست و همه‌ی کارهای نیک به ضمیمه‌ی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره نسبت به دریاست.

۱۱- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

كيف بكم اذا فسدت نساؤكم و فسق شبابكم و لم تاملوا بالمعروف و لم تنهوا عن المنكر؟ فقيل له : و يكون ذلك يا رسول الله؟ فقال : نعم و شر من ذلك، كيف بكم اذا امرتم بالمنكر و نهيتهم عن المعروف؟ فقيل له : يا رسول الله و يكون ذلك؟ قال : نعم و شر من ذلك ، كيف

بكم اذا رأيتم المعروف منكرا و المنكر معروفا وسائل الشيعة ج ۶ ص ۲۹۶

چگونه خواهید بود ، وقتی که زن های شما فاسد شوند و جوان های شما فاسق، و امر به معروف و نهی از منکر ننمایید؟ گفته شد : یا رسول الله (ص) آیا چنین خواهد شد؟ حضرت (ص) فرمود : بلی و بدتر از آن. چگونه خواهید بود ، وقتی که امر به منکر و زشتی کنید نهی از خوبی ننمایید، گفته شد یا رسول الله (ص) آیا چنین خواهد شد؟ فرمود (ص) : بلی و بدتر از آن. چگونه خواهید بود، وقتی که خوبی را زشت پنداشتید و بد را خوب؟

امر به معروف و نهی از منکر در کلام حضرت علی (علیه السلام)

### ۱- قال علی (علیه السلام)

فرض الله الامر بالمعروف مصلحه للعوام و النهی عن المنکر ردعا للفسهاء . نهج البلاغه حکمت

۲۴۴

خداوند، امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح مردم و نهی از منکر را برای جلوگیری سفیهان و بی خردان از ارتکاب حرام، واجب فرموده است.

### ۲- قال علی (علیه السلام)

من ترک انکار المنکر بقلبه و یده و لسانه، فهو میت بین الاحیاء

کسی که انکار منکر را با قلب و دست و زبانش ترک کند، مرده ای میان زندگان است.

### ۳- قال علی (علیه السلام) :

لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم اشرارکم . نهج البلاغه نامه ۴۷

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که تبهکاران بر شما چیره می گردند.

### ۴- قال علی (علیه السلام) :

من کانت فیه ثلاث سلمت له الدنيا و الاخره یامر بالمعروف و یأتمر به و ینهی عن المنکر و

ینتهی عنه و یحافظ علی حدود الله جل و علا . شرح غررالحکم ج ۵ ص ۴۴۰

هرکس سه خصلت در او باشد، دنیا و آخرتش سالم می شود: ۱- امر به معروف کند و خود نیز بدان عمل

نماید. ۲- نهی از منکر کند و خود هم گرد آن نگردد. ۳- نگهبان حدود خداوند بزرگ باشد.

### ۵- قال علی (علیه السلام) :

فانا لله و انا اليه راجعون ظهر الفساد فلا منكر مغير و لا زاجر مزدجر افبهذا تريدون ان تجاوروا الله في دار قدسه و تكونوا اعز اوليائه عنده هيهات لا يخدع الله عن جنته و لا تنال مرضاته الا بطاعته. نهج البلاغه خطبه ۱۲۹

ما از آن خدائيم و به سوى او بازگشت می کنیم، فساد ظاهر شده است؛ اما انکار کننده و تغییر دهنده گناه و منع کننده ای برای آن نیست. آیا این گونه می خواهید در بهشت الهی جایگزین شوید؟ و از عزیزترین دوستان او گردید؟ بسیار دور است. خداوند در وارد کردن افراد به بهشت فریب نمی خورد و کسی به رضایت الهی بدون اطاعت او دست نمی یابد.

۶- قال علی (عليه السلام) :

و من قبل ان تشغلوا بانفسكم عن مستثارالعلم من عند اهله، وانها غيركم عن المنكر و تناهوا عنه،

فانما امرتم بالنهي بعد التناهي . نهج البلاغه خطبه ۱۰۵

مردم را از منکرات بازدارید. و خود هم مرتکب نشوید زیرا شما موظفید اول خود مرتکب گناه نشوید ، آنگاه مردم را از آن نهی کنید.

۷- قال علی (عليه السلام) :

الراضی بفعل قوم كالدخل فيه معهم و علی كل داخل فی باطل اثمان :

اثم العمل به ، و اثم الرضا به. نهج البلاغه حکمت ۱۵۴

آن کس که به کار جمعیتی راضی باشد، همچون کسی است که در آن کار دخالت دارد، منتهی آن کس که در کار باطل دخالت دارد دو گناه می کند: گناه عمل و گناه رضایت.

۸- قال علی (عليه السلام) :

لئن الله الامرین بالمعروف ، التاركین له و الناهین عن المنكر العاملين به! نهج البلاغه خطبه

۱۲۹

نفرین خدا بر آنان باد که امر به معروف می کنند و خود آن را ترک می نمایند و نهی از منکر می کنند و خود مرتکب آن می شوند.

#### ۹- قال علی (علیه السلام)

وانه سیأتی علیکم من بعدی زمان لیس فیہ شیء اخفی من الحق... و لا فی البلاد شیء انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر نهج البلاغه خطبه ۱۴۷ (بند ۵)

آگاه باشید به زودی پس از من زمانی فرا خواهد رسید که چیزی پنهانتر از حق، آشکارتر از باطل، فراوانتر از دروغ به خدا و پیامبرش یافت نخواهد شد...

و در شهرها چیزی ناشناخته تر از معروف (نیکیها) و آشنا تر از منکر، پیدا نخواهد شد.

#### ۱۰- قال علی (علیه السلام)

و الجهاد منها علی اربع شعب

علی الامر بالمعروف، و النهی عن المنکر

والصدق فی المواطن، و شأن الفاسقین

فمن امر بالمعروف شد ظهور المؤمنین

و من نهی عن المنکر ارغم انوف الکافرین نهج البلاغه حکمت ۳۱

جهاد نیز چهار شعبه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه نبرد و کینه و دشمنی با فاسقان آن کسی که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم کرده و کسی که نهی از منکر ماید، بینی کافران را بر خاک مالیده.

#### ۱۱- قال علی (علیه السلام):

فمنهم المنکر للمنکر بیده و لسانه و قلبه فذلک المستکمل لخصال الخیر،

و منهم المنکر بلسانه و قلبه و التارک بیده

فذلك متمسك بخصلتين من خصال الخير و مضيع خصله و منهم المنكر بقلبه و التارك بیده و لسانه

فذلك الذي ضيع اشرف الخصلتين من الثلاث و تمسك بواحدة و منهم تارك لانكار المنكر بلسانه و قلبه و يده

فذلك ميت الاحياء

و ما اعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله

عند الامر بالمعروف و النهي عن المنكر ، الا كنفته في بحر لحي . نهج البلاغه حكمت ۳۶۶

گروهی از مردم با دست و زبان و قلب به مبارزه با منکرات برمی خیزند؛ آنها تمام خصلتهای نیک را به طور کامل در خود جمع کرده اند. گروهی دیگر تنها با زبان و قلب به مبارزه برمی خیزند؛ اما با دست نه، اینها به دو خصلت نیک تمسک جسته اند و یکی را از دست داده اند. گروهی دیگر، تنها با قلبشان مبارزه می کنند و اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده اند؛ این گروه بهترین خصلتهای را از این سه ترک گفته اند و تنها یکی را گرفته اند.

بدانید تمام اعمال نیک حتی جهاد در راه خدا ، در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، همچون قطره ای است در مقابل یک دریای پهناور.

۱۲- قال علی (علیه السلام) :

انه خطب فحمدالله و اثنی علیه ثم قال : اما بعد فانه انما هلك من كان قبلکم حينما عملوا بالمعاصی و لم ينههم الربانيون و الاحبار عن ذلك ... نزلت بهم العقوبات. وسائل الشيعه ج ۱۱

ص ۳۹۵

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه های خود ، پس از ستایش و ثنای خدای متعال، فرمود : باری، پیشینیان شما وقتی گناهان را مرتکب شدند و علمای ربانی و روحانیون ، آنها را نهی نکردند، به هلاکت رسیدند. آنها هنگامی که در گناهان خود غرق شده و آنها را ادامه دادند علمای ربانی و کاهنان نیز آنها را نهی نکردند ، کیفرها به آنان نازل شد.

۱۳- قال علی (علیه السلام) :

امرنا رسول الله صلى الله عليه و آله ان نلقى اهل المعاصى بوجوه مكفهرة. وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۱۳

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را فرمان داده است تا به گناهکاران، با چهره ای خشمگین برخورد کنیم.

۱۴- قال علی (علیه السلام) :

كن بالمعروف آمرا و عن المنكر ناهيا و بالخير عاملا و للشر مانعا غررالحکم ج ۲ ص ۵۶۸  
در تمام حالات، نیکی و معروف را امرکننده، زشت و منکر را نهی نماینده، خیر و خوبی را عمل کننده، و بدی را جلوگیرنده باش، «تا از رستگاران باشی»

۱۵- قال علی (علیه السلام) :

كن عالما بالخير ناهيا عن الشر منكرا شيمه الغدر غررالحکم ج ۲ ص ۵۶۷  
خوبی را عمل کننده، بدی را نهی کننده، روش مکر و حيله را زشت دارنده باش.

۱۶- قال علی (علیه السلام) :

ايها المؤمنون ، انه من رأى عدوانا يعمل به و منكرا يدعى اليه، فانكره بقلبه فقد سلم و برىء  
و من انكره بلسانه فقد أجر ، و هو افضل من صاحبه. و من انكره بالسيف لتكون كلمه الله هي  
العليا و كلمه الظالمين هي السفلى ، فذلك الذى اصاب سبيل الهدى ، و قام على الطريق ، و  
نور فى قلبه اليقين. نهج البلاغه حكمت ۳۷۹

ای گروه مؤمنان، کسی که ببیند ظلم می شود و به بدی دعوت می شود و آن را با قلب خود انکار نماید پس سالم مانده و از آن منکر به دور است و اگر آن را با زبانش انکار کند به او اجر و پاداش داده می شود و از اولی افضل است. و اگر آن را با شمشیر انکار کند، تا سخن خدا بالا و سخن ستمگران پایین قرار بگیرد، پس این شخص همان کسی است که بر او هدایت رسیده و بر راه راست، استوار شده و یقین قلب او را نورانی کرده است.



۱۷- قال علی (علیه السلام) :

و ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ، لخلق ان من خلق الله سبحانه، و انهما لا یقربان من اجل ، و لا ینقصان من رزق. نهج البلاغه حکمت ۳۶۶  
همانا امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از اوصاف خداوند است و این دو فریضه، نه اجل انسان را نزدیک می کند و نه روزی او را کم می کند.

۱۸- قال علی (علیه السلام) :

یقبح علی الرجل ان ینکر علی الناس منکرات و ینهاهم عن الرذائل و السيئات و اذا خلا بنفسه ارتکبها و لا یستکف من فعلها. غرر الحکم ج ۲ ص ۸۷۶  
برای انسان بسی زشت است که زشتی های مردم را زشت شمارد و آنها را از گناهان و پستیها منع نماید، لکن وقتی که خودش تنها می شود همان زشتی ها را مرتکب می شود و از کارش دست نکشد.

۱۹- قال علی (علیه السلام) :

فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم ، الا لتركهم الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلعن الله السفهاء لركوب المعاصی ، و الحلماء لترك التناهی. نهج البلاغه حکمت ۲۳۶  
خداوند گذشتگان را لعنت نکرد مگر برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند و لذا خداوند، سَفْها را به خاطر ارتکاب معاصی و بردباران را به خاطر ترک نهی لعنت نمود.

۲۰- قال علی (علیه السلام) :

کن آمرا بالمعروف و عاملا به و لا تکن ممن یأمر به و ینهی عنه فتبوء باثمه و تتعرض لمقت ربه . نهج البلاغه حکمت ۱۲۸

همیشه مردم را به معروف و نیکی امر کننده و خودت آن را به جای آورنده باش؛ نکند که تو از کسانی باشی که مردم را به نیکی وادارنده و خودت از آن تن زنده و دورشونده باشی که در آن صورت خود گرفتار گناه آن شده و مورد خشم پروردگارت قرار خواهی گرفت.

#### ۲۱- قال علی (علیه السلام) :

**لتأمرون بالمعروف و لتنهون عن المنکر و لتأخذن علی یدالسفیه و لتأطرنه علی الحق اطرا او لیضربن الله قلوب بعضکم علی بعض و للعنکم کما لعنهم.**

حتماً باید امر به معروف و نهی از منکر کنید. و دست افراد نادان را بگیرید و به سوی حق دعوت نمایید و الا خداوند قلوب شما را همانند یکدیگر می کند و شما را از رحمت خود دور می سازد همانگونه که آنها را دور ساخته است.

#### ۲۲- قال علی (علیه السلام) :

**ما من قوم عملوا بالمعاصی و بینهم من یقدر ان ینکر علیهم فلم یفعل الا یوشک ان یمهم الله بعذاب من عنده.** وسائل الشیعه ج ۱۱

هیچ قومی معصیت نمی کند و در بین آنان کسی هست که قدرت جلوگیری از گناه آنان را دارد و دست به پیشگیری از معصیت آنان نمی زند مگر آنکه ممکن است عذاب خداوند عموم مردم را در برمی گیرد.

#### ۲۳- قال علی (علیه السلام) :

**ان اول ما تغلبون علیه من الجهاد ، الجهاد بایدیکم ثم بالستکم ، ثم بقلوبکم ، فمن لم یعرف بقلبه معروفا و لم ینکر منکرا قلبا فجعل اعلاه اسفله اعلاه.** نهج البلاغه حکمت ۳۸۱

اولین گام سقوط شما ترک جهاد با دست، سپس با زبان، آنگاه با قلب است، بنابراین کسی که معروف را در دل خود نشناسد و منکری را انکار نکند، واژگون شده، و بلندی و عزت او پست شده است.

امر به معروف و نهی از منکر در کلام ائمه هدی (علیهم السلام)

### ۱- قال الحسين (عليه السلام) :

«هذا ما أوصى به الحسين بن علي الى اخيه محمد بن الحنفية ... انما خرجت لطلب الاصلاح في امه جدى، اريد ان امر بالمعروف و انهى عن المنكر و اسير بسيره جدى و ابى على ابن ابى طالب»

وصيت امام حسين (عليه السلام) به برادرشان محمد بن حنفیه :

همانا من فقط خارج می شوم برای اصلاح امت جدم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم.

قال الحسين (عليه السلام) :

انى احب المعروف و انكر المنكر

من معروف را دوست دارم و از منکر بیزارم.

### ۲- قال الباقر (عليه السلام) :

«يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراؤون ، يتقروون و يتنسكون ، حداء، سفهاء، لا يوجبون امرا بمعروف و لا نهيا عن منكر الا اذا امنوا الضرر، يطلبون لانفسهم الرخص و المعاذير يتبعون زلات العلماء و فساد علمهم . يقبلون على الصلاة و الصيام و ما لا يكلمهم (اي يضرهم) في نفس و لا مال، و لو اضررت الصلاة باموالهم و ابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمى الفرائض و اشرفها! ان الامر بالمعروف و النهى عن المنكر فريضه عظيمه بها تقام الفرائض. هناك يتم غضب الله تعالى عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الابرار في دار الفجار و الصغار في دار الكبار. ان الامر بالمعروف و النهى عن المنكر سبيل الانبياء و منهاج الصالحين، فريضه عظيمه تقام بها الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقيم الامر.»

وسائل الشيعة ج ۱۱ ص ۳۹۵

در آخر زمان گروهی می آیند که برخی از آنها از گروهی ریاکار که خود را قاری قرآن و زاهد و پارسا نشان می دهند، پیروی می کنند و جوان و بی خرد هستند. هیچ امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند، مگر آنکه از زیان آن خود را در امان ببینند. برای خود بهانه جویی و عذر می تراشند. از لغزشهای علما و فساد علم انان پیروی می کنند. به نماز و روزه و آنچه به جان و مال آنان ضرری نمی زند، روی می آورند و اگر نماز به اموال و بدنهای آنان ضرر و زیان برساند، آن را رد می کنند، همان گونه که والاترین و گرانقدرترین فریضه ها را هم مردود شمردند. امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ی بزرگی است که سایر فرائض نیز به انجام آن، بر پا داشته می شود. آن گاه است که خشم خدای متعال در مورد اینان کامل می شود و همه را شامل عقاب و کیفر خود می کند و نیکان را در خانه‌ی بدکاران و کمتران را در خانه‌ی مهتران هلاک می نماید. امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیاء و روش صالحان است، فریضه‌ی بزرگی است که فرائض دیگر به وسیله آن اقامه می شود و راه و روش انسان را مصون از خطا و کسب و کار او را حلال می کند، ستمها را جبران و زمین را آباد می سازد. به وسیله‌ی این فریضه، از دشمنان، عدالت و انصاف خواسته می شود و همه‌ی امور، استوار و در مسیر درست قرار می گیرد.

### ۳- قال الصادق (علیه السلام):

مر عیسی ابن مریم (علیه السلام) علی قریه قدمات اهلها و طیرها و دوابها فقال : اما انهم لم يموتوا الا بسخطه و لو ماتوا متفرقین لتدا فنو، فقال الحواریون : یا روح الله و کلمه ادع الله ، ان یحییهم لنا فیخبرونا ما کانت اعمالهم فنجتنبها قال : فدعا عیسی فنودی من الجوا ان نادهم ، فقام عیسی باللیل علی شرف من الارض، فقال : یا اهل القریه فاجابه مجیب منهم لیبک ، فقال : و یحکم ما کانت اعمالکم؟

قال : عباده الطاغوت و حب الدنیا ... کیف عبادتکم للطاغوت؟ قال الطاعه لاهل المعاصی... قال : ویحک کیف لم یکلمنی غیرک من بینهم؟ قال : یا روح الله انهم ملجمون بلجم من نار، بایدی ملائکه غلاظ و شداد ، و انی کنت فیهم و لم اکن منهم، فلما نزل العذاب عمنی معهم. وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۹۹

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود عیسی بن مریم (علیه السلام) بر شهری گذر کرد که اهالی آن و همه جانوران و پرندگان آن مرده بودند. پس فرمود: به درستی که ایشان نمرده اند مگر به سبب خشم خداوند چرا که اگر هر یک (به مرگ طبیعی) می مردند، یکدیگر را دفن می کردند. پس حواریون گفتند: ای روح الله و ای کلمه خدا از خداوند بخواه که آنان را زنده کند تا ما را از اعمال خود آگاه کنند تا ما از آن اعمال خودداری کنیم. عیسی (علیه السلام) دعا کرد پس ندایی از آسمان به گوش رسید که این مردگان را ندا در ده. عیسی شبانگاه در نقطه ای مشرف بر شهر ایستادند و ندا کردند: ای اهالی شهر، یکی از ایشان او را لبیک گفت: عیسی پرسید: وای بر شما اعمالتان چه بوده است؟ گفت: پرستش طاغوت و دوستی دنیا... عیسی پرسید: چگونه طاغوت را می پرستیدید؟ گفت: با فرمانبرداری از گنهکاران... عیسی دوباره پرسید: وای بر تو چرا کسی از اهل شهر جز تو با من سخن نمی گوید؟ گفت: ای روح الله به آنها لجامهایی از آتش زده شده است و زمام آن به دست فرشتگان غلیظ و پر غضب است و من میان ایشان بودم اما جزء آنان نبودم اما هنگامی که عذاب بر ایشان نازل شد، مرا نیز فرا گرفت.

#### ۴- قال ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام):

كان في بني اسرائيل مؤمن و كان له جار كافر ، فكان الكافر يرفق بالمؤمن ، و يوليه المعروف في الدنيا، فلما ان مات الكافر بنى الله له بيتا في النار من طين، و كان يقبه حرها و يأتيه الرزق من غيرها ، و قيل له : هذا ما كنت تدخله على جارك المؤمن فلان بن فلان من الرفق و توليه من المعروف في الدنيا. وسائل الشيعه ج ۱۱ ص ۵۲۴ حديث ۱۴

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید: در بنی اسرائیل فرد مؤمنی بود که در همسایگی او یک همسایه کافر وجود داشت این کافر با همسایه مؤمنش مرافقت و همراهی می کرد و کارهای خوب را در دنیا دوست داشت لذا وقتی که کافر مرد خداوند یک خانه برایش در جهنم ساخت که آن خانه از جنس گل بود که این خانه او را از داغی آتش حفاظت می کرد و خداوند ارتزاقش می نمود از غذای غیرجهنمیان و گفته شد به او که: اینست جزای آنکه تو در دنیا با همسایه‌ی مؤمنت آقای فلان همراهی می کردی و کارهای خیر در دنیا را دوست داشتی (اعمال معروف)

۵- قال ابی جعفر (علیه السلام) :

قال : اوحی الله تعالی الی شعیب النبی انی معذب من قومک مائه الف: اربعین الفاً من شرارهم و ستین الفاً من خیارهم فقال : یا رب هولاء الاشرار فما بال الاخیار فاحی الله عزوجل الیه داهنوا اهل المعاصی فلم یغضبوا لغضبى . بحارالانوار ج ۱۲ ص ۹۳

امام باقر (علیه السلام) فرمود : وحی کرد خداوند تعالی به حضرت شعیب که ای شعیب من صد هزار نفر از قومت را عذاب خواهم کرد : چهل هزار نفر از اشرار آنها را و شصت هزار نفر از نیکان قومت را حضرت شعیب به خداوند عرض کرد : ای پروردگار اشرار قوم عذابشان بدیهی است ولی عذاب نیکان چرا؟ خداوند فرمود : زیرا که نیکان بی تفاوت بوده و کارهای بد آنها را مشاهده نمودند ولی به سبب غضب من از کارهای آنها به خشم نیامدند.

۶- قال الصادق (علیه السلام) :

فی قول الله عزوجل : «او کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها» قال : ان الله بعث الی بنی اسرائیل نبیا یقال له : ارمیا « الی ان قال » فاحی الله الیه ان قل لهم ان البیت بیت المقدس و الغرس بنو اسرائیل ، عملو بالمعاصی فلاسلطن علیهم فی بلدهم من یسفک دمائهم ، و یأخذ اموالهم فان بکوا الی لم ارحم بکائهم و ان دعونی لم استجب دعائهم ثم لآخربنها مأه عام ، ثم لاعمرنها ، فلما حدثهم اجتمع العلماء فقالوا: یا رسول الله ما ذنبنا نحن و لم نکن نعمل بعملهم ؟ فعاودلنا ربک « الی ان قال » ثم اوحی الله قل لهم : لانکم رأیتم المنکر فلم تنکروه ، فسلط الله علیهم بخت النصر فصنع بهم ما قد بلغک . وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۱۳

حدیث ۱۷

ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه قرآن که می فرماید : بقره ۲۵۹- به مانند آن کس که گذر کرد بر دهکده ای که آن بر اهلش خراب شده بود فرمود : بدرستی که خداوند فرستاد به سوی بنی اسرائیل پیغمبری به نام ارمیا تا اینکه وحی کرد به او که بگو به مردم به درستی که این خانه خانه مقدس است آنان نافرمانی کردند بنی اسرائیل و عمل کردند به معاصی پس خداوند مسلط کرد بر ایشان در شهرشان کسی که خونهای آنها را ریخت و اموالشان را گرفت، پس اگر گریه کردند به سوی من به آنها رحم نکردم و اگر دعا

کردند اجابت نکردم سپس ویران کردن آن شهر را صد سال و آنگاه آباد کردم آنرا پس وقتی بوجود آمدند علماء جمع شدند و گفتند ای رسول خدا چه بود گناهان ما حال آنکه ما گناهان آنان را انجام ندادیم؟ پس جواب بده به ما سپس وحی کرد خداوند بگو به ایشان برای اینکه شما دیدید منکر را پس آن را نهی نکردید پس مسلط کرد خداوند بر ایشان بخت النصر را پس انجام داد به ایشان آنچه که گفته شد.

#### ۷- قال الصادق (عليه السلام) :

قال كان رجل شيخ ناسك يعبد الله في بني اسرائيل فبينما هو يصلي و هو في عبادته اذ بصر بغلامين صبيين اذ اخذا ديكاً و هما ينتفان ريشه فاقبل على ما هو فيه من العباده و لم ينههما عن ذلك فاحى الله الى الارض ان سيخى بعبدى فساخت به الارض. بحارالانوار ج ۱۰۰

حدیث ۶۷ ص ۸۸

حضرت امام صادق (عليه السلام) می فرماید : که در بنی اسرائیل پیرمرد عابدی بود که مشغول به عبادت خدا بود در یکی از روزها که عابد مشغول عبادت بود دو پسر بچه کوچک را دید که یک خروس را به دست گرفته و پره‌های آن خروس را می کنند آن عابد به عبادت خود پرداخت و این دو پسر بچه را از آن کار نهی نکرد، پس خداوند وحی کرد به زمین که ای زمین آن بنده مرا فرو بر در درون خود، پس زمین آن عابد را به درون خویش فرو برد.

#### ۸- حارث بن المغیره قال : لقيني ابو عبد الله (عليه السلام) في بعض طرق المدينة ليلا

فقال لي : يا حارث، فقلت: نعم فقال : اما ، ليحملن ذنوب سفهاتكم على علمائكم ، ثم مضى ، قال: ثم اتيته فاستأذنت عليه فقلت : جعلت فداك لم قلت : ليحملن ذنوب سفهاتكم على علمائكم فقد دخلني من ذلك امر عظيم فقال لي : نعم ما يمنعكم اذا بلغكم عن الرجل منكم ما تكرهونه مما يدخل به علينا الاذى و العيب عند الناس ان تأتوه فتؤنبوه و تعظوه و تقولوا له قولاً بليغاً، فقلت له : اذا لا يقبل منا و لا يطيعنا، قال فقال : فاذا فاهجروه عند ذلك و اجتنبوا مجالسته. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۸۶

حارث بن مغیره گوید: برخورد کردم با امام صادق (علیه السلام) شبی در یکی از کوچه های مدینه پس حضرت فرمود به من: ای حارث گفتم: بلی. فرمود: بدان که باید دانایانتان گناهان نادانانتان را نیز حمل کنید، پس حضرت رفت- حارث گوید من رفتم خدمت حضرت (علیه السلام) اذن گرفتم و عرض کردم: فدایتان بشوم. چرا فرمودید: گناهان نادانان را باید دانایان حمل کنند به درستی که من در تعجبم پس گفت به من: بلی، چه مانع شما می شود وقتی می رسد به شما خبری از جانب یکی از شما (شیعه) که ارتکاب آن عمل مایه و اذیت و عار ما نزد مردم است اینکه او را باز نمی دارید و موعظه اش نمی کنید و با زبان و بیان شیوا به او تذکر نمی دهید پس عرض کردم اگر قبول نکرد از ما و اطاعت نکرد، پس فرمود: در این هنگام ترکش کنید و از هم نشینی با او دوری نمائید.

#### ۹- قال الصادق (علیه السلام):

من کان له جار و یعمل بالمعاصی فلم ینهه فهو شریکه. لئالی الاخبار ج ۵ ص ۲۶۳  
هر کس همسایه ای دارد که اهل معصیت است و او را نهی نمی کند، در گناه او شریک است.

#### ۱۰- قال الصادق (علیه السلام):

ان للجنه بابا یقال له باب المعروف فلا یدخله الا اهل المعروف. وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۲۹  
بهشت را دربی است به نام درب معروف که جز اهل معروف از آن وارد نمی شوند.

#### ۱۱- قال الصادق (علیه السلام):

صاحب الامر بالمعروف یحتاج الی ان یکون عالما بالحلال و الحرام. مصباح الشریعه ص

۲۷۲

امر به معروف، در کار خود، به شناخت حلال و حرام نیازمند است.

۱۲- عن ابی جعفر و ابی عبدالله (علیه السلام) قال: « ویل لقوم لا یدینون الله بالامر

بالمعروف و النهی عن المنکر» مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۸۱



وای بر قومی که اطاعت حضرت حق جل شأنه را با انجام امر به معروف و نهی از منکر فراهم نمی سازند «و به عبارت دیگر با برپا کردن امر به معروف و نهی از منکر پای بندی خویش را به دین حق ابراز نمی دارند.»

۱۳- قال الباقر (علیه السلام) :

الامر بالمعروف و النهی عن المنکر خلقان من خلق الله فمن نصرهما اعزه الله و من خذلهما خذله الله. وسائل ج ۱۱ ص ۳۹۸

امر به معروف و نهی از منکر دو خلق و خوی از اخلاق الهی هستند هر کس آن دو را یاری کند خداوند او را عزیز گرداند و آن کس که نسبت به این دو بی اعتنا باشد خداوند او را ذلیل نماید.

۱۴- قال الصادق (علیه السلام) :

انما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر ، لا علی الضعیف الذی لا یهتدی سبیلا.

وسائل الشیعه جلد ۱۱ ص ۴۰۰

این تکلیف بر عهده کسی است که توانمند، مورد اطاعت و عالم به معروف و منکر باشد نه فرد ضعیفی که خود، راه به جایی نمی برد.

۱۵- قال الصادق (علیه السلام) :

و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر واجبان علی من امکنه ذلك، و لم یخف علی نفسه و لا علی اصحابه» وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۸

امر به معروف و نهی از منکر بر کسی که قدرت «بر» آن دارد واجب است «در صورتی که» بر خود و بر اصحاب خود نترسد «یعنی خوف ضرر جانی برای خودش و یارانش نباشد.»

## فصل سوم

# امر به معروف و نهی از منکر در کلام حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

توضیح: فرمایشات حضرت امام خمینی از کتاب صحیفه نور با ذکر آدرس و فرمایشات مقام معظم رهبری از جراید و نشریات با ذکر تاریخ، استخراج و نقل شده است.

کلام حضرت امام خمینی (ره)

از این جهت که شما می خواهید اطاعت امر خدا را بکنید ، نهی از منکر کنید، بزرگترین منکر غلبه اجانب بر ماست این منکر را باید نهی کنید. حکومت ها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند و با دشمنان اسلام که خدا فرموده مروده نکنیم ، صحبت می کنند، الان منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است.

نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند.

صحیفه نور - ج ۸ - ص ۴۷ - ۵۸/۴/۱۵

این کشور باید همه افرادش آمر به معروف و ناهی از منکر باشند و اعوجاج ها را خودشان رفع کنند.

صحیفه نور - ج ۸ - ص ۴۷

اصل امر به معروف و نهی از منکر برای این است که جامعه را اصلاح کند.

صحیفه نور - ج ۹ - ص ۲۸۵

ما موظفیم که همه در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است، امر به معروف کنیم.

۵۹/۲/۱۱

سیدالشهدا(سلام الله علیه) از همان روز اول که قیام کردند ، انگیزه شان این بود که معروف را اقامه کنند و منکر را از بین ببرند.

صحیفه نور - ج ۲۰ - ص ۱۸۹

### کلام مقام معظم رهبری

منکرات، هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است . همه جا هم، جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم می تواند در محیط درس و علم، نهی از منکر کند. یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیطهای مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروف هستند. نمی شود این واجب الهی را در دایره های کوچک محدود کرد. این کار، کار همه است.

۸ مرداد ۱۳۷۱

هر کس جایگاهی دارد ، اینکه کجا باید نهی از منکر بکنید و در مقابل کدام منکر می توانید مقاومت بکنید و بایستید و کدام را می شناسید، مهم است؛ کار، کار مردمی است. البته علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند؛ کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند و منکر را برای آنها شرح بدهند.

۸ مرداد ۱۳۷۱

در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ اما اگر کار به برخورد بکشد ، آن، دیگر به عهده مسئولین است که باید وارد بشوند و آنها، اینکار را بکنند.

۲۳ تیر ۱۳۷۱

امر به معروف و نهی از منکر فقط این نیست که ما برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوئیم؛ آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست مهمترین منکرات باشند.

۸ مرداد ۱۳۷۱

همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند، آن هم عرض می کنم ، نهی از منکر کنید. این واجب است امروز امر به معروف و نهی از منکر ، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماست. به من نامه می نویسند ، بعضی تلفن می کنند و می گویند ما نهی از منکر می کنیم اما مأمورین رسمی ، طرف ما را نمی گیرند؛ طرف فرد مقابل را می گیرند. من عرض می کنم مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضائی حق ندارند از مجرم دفاع بکنند. مأمورین باید از آمر و ناهی شرع ، دفاع بکنند. دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع بکنند، این وظیفه است.

۲۳ تیر ۱۳۷۱

آیا معنای امر به معروف این است که این واجب به این عظمت را که قوام هر چیز به اوست، بیاورند در یک دایره ای محدود در خیابان های تهران. این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه؟ نه خیر، قضیه بالاتر از این حرفهاست.

۸ مرداد ۱۳۷۱

مهمترین وظیفه ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد این است که باید نیروهای مؤمن و حزب الله و آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که انگیزه دارند، باید در نظام اسلامی در صحنه باشند و همه جا باید حضور داشته باشند.

۸ مرداد ۱۳۷۱

همه ی مردم باید وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر را برای خود قائل باشند و با لحن مناسب محل خلاف و گناه را به خاطر تذکر دهند. و انجام این امر، در مرحله عمل و اقدام تنها با اجازه حکومت باید انجام شود.

۲۰ دی ۱۳۶۸

امر به نیکی و صلاح و نهی از بدیها ، مفاسد و تخلفات ، از نظر قرآن کریم و اسلام ، تضمین کننده خط صحیح و راه راست است.

هر کس به اندازه وسعت وجودی و شعاع قدرت خود، مسئول است و نباید در مقابل تخلفات، بدعت گذاریها ، از میان رفتن سنت ها و زمینه سازیهایی که برای تهاجم دشمن صورت می گیرد، بی تفاوت باقی بماند.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در ایران اسلامی، روز به روز حیاتی تر می شود. خطاب کردن متخلف و بهره گرفتن از زبان، در نهی او از تخلف و امر وی به معروف ، یک واجب الهی است.

استفاده از زبان در انجام این مهم، مبتنی بر حکمت و مصلحت است؛ زیرا اثر توالی امر ونهی زبانی در انسانها حتی با زبان خودش، همانند اثر توالی قطرات آب در سنگ و صخره است که در آن نفوذ کرده و سرانجام به درون آن راه می یابد.

در مسائل جهانی ، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند.

۲۰ دی ۱۳۷۳

## فصل چهارم

امر به معروف و نهی از منکر در فتاوی حضرت امام خمینی (ره)

و مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

بخش اول

احکام امر به معروف و نهی از منکر در فتاوی حضرت امام خمینی (ره)

- ۱- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
- ۲- تعریف معروف و منکر
- ۳- اقسام امر به معروف و نهی از منکر
- ۴- امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است
- ۵- تعارض امر و نهی
- ۶- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر
- ۷- مسائلی که هنگام امر به معروف و نهی از منکر باید مراعات کرد.
- ۸- مراتب امر به معروف و نهی از منکر
- ۹- اذن حاکم شرع در امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۰- آداب امر به معروف و نهی از منکر

۱- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر مهمترین واجبات و اشرف آنهاست.  
فرائض دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می گردد.  
وجوب امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین است.  
مُنکِر امر به معروف و نهی از منکر اگر توجه به لوازم آن داشته باشد، کافر است.

در آیات و روایات بسیاری با عبارات مختلف ، بر اهمیت این واجب شرعی تأکید شده است، تا آنچه که فرموده اند : خداوند با مؤمن ضعیف که دین ندارد غضب دارد، سؤال شد که مؤمن ضعیف بی دین کیست؟ حضرت فرمود : آنکس که امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کند.

## ۲- تعریف معروف و منکر

آنچه را عقل و شرع ، نیکو می داند معروف می نامند که در دایره احکام تکلیفی همان واجبات است.

آنچه را عقل و شرع ناپسند می داند منکر می نامند، و در احکام تکلیفی حرام و مکروه می باشد.

## ۳- اقسام امر به معروف و نهی از منکر

امر به انجام واجبات و جلوگیری از محرمات واجب است، و امر به انجام مستحبات و نهی از انجام مکروهات ، مستحب است.

## ۴- امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است که اگر به قدر کفایت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود و اگر همه کس آن را ترک کرده باشند ، چنانچه شرایط آن موجود باشد ، همه ترک واجب کرده اند.

در موارد زیر وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی شود :

۱- اگر در امر به معروف و نهی از منکر ، نیاز به اقدام گروهی باشد ، و عده ای اقدام کرده، ولی

مقصود حاصل نگردد، در این صورت از دیگران ساقط نمی شود .

۲- عده ای به انجام آن اقدام نمایند ولی کافی نباشند.

۳- فرد یا افرادی به انجام آن اقدام نمایند ولی تأثیر نکند و فرد یا افراد دیگر احتمال تأثیر بدهند ، در

صورتی که برای آنها شرایط موجود باشد ، باید اقدام کنند .

۴- احتمال و گمان به اینکه دیگری به انجام معروف و نهی از منکر اقدام می نمایند ولی می داند

تاکنون اقدام نکرده است کافی نیست، بنابراین چنانچه یقین ندارد که کسی امر یا نهی کرده و یا نه؟

واجب است اقدام کند.

۵- اگر یقین یا گمان دارد که دیگری به انجام امر به معروف یا نهی از منکر اقدام کرده، بر او واجب

نیست، ولی اگر خلاف آن معلوم شود، واجب است اقدام کند.

۶- چنانچه موضوع واجب یا منکر از بین رود، اگر یا نهی واجب نیست، مثل آنکه ، برای حفظ جان فردی می بایست نهی از منکر کند، ولی آن شخص از دنیا رفت.

۵- تعارض امر و نهی

۱- چنانچه امر به معروف یا جلوگیری از منکر متوقف بر انجام کار حرام می باشد، یعنی تا حرامی را مرتکب نشود ، نمی تواند جلوی منکر را بگیرد، یا واجبی را به انجام رساند، مثلاً تا دروغی نگوید، نمی تواند از نزاع و خونریزی جلوگیری کند، باید بین آن دو مراعات اهم را بنماید، یعنی هر کدام که مهمتر است انجام دهد، مثلاً اگر می تواند با ارتکاب یک دروغ از قتل انسان جلوگیری کند، چون حفظ جان انسان مهمتر است ، باید این کار را انجام دهد.

۲- چنانچه امر به معروفی و نهی از منکری در بین باشد، و انسان قدرت بر انجام یکی از آنها را داشته باشد، در صورتی که هر دو از نظر اهمیت مساوی هستند ، باید به یکی از آنها (هر کدام که بخواهد) عمل کند، و چنانچه یکی از آنها دارای اهمیت بیشتری است باید همان را انجام دهد.

چند مسأله

۱- در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط نیست، بلکه غرض از این واجب انجام معروف و ترک منکر است ولی اگر قصد قربت کند، دو پاداش دارد.

۲- در وجوب نهی از منکر ، فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک (معصیت صغیره) نیست، پس اگر کسی مرتکب معصیت صغیره هم بشود، نهی او واجب است.

۳- اگر شخصی به قصد انجام کار حرام مقدمات آن را شروع کند، پس اگر

الف : می داند به انجام آن موفق می شود واجب است او را نهی کند.

ب: می داند به انجام آن موفق نمی شود نهی از منکر واجب نیست مگر از آن باب که مقدمه حرام هم منکر است و یا جرأت کردن بر انجام حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.

ج : نمی داند به انجام آن موفق می شود یا نه ؟ حکم «ب» را دارد.

۶- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود بعضی شرایط واجب می باشد، که در صورت نبود آنها ، تکلیف ساقط است و آن شرایط عبارت است از :



- ۱- کسی که امر یا نهی می کند، بداند آنچه، او انجام می دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است، پس بر کسی که جاهل به معروف یا منکر است واجب نمی باشد.
- ۲- احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد، بنابراین اگر می داند تأثیر ندارد و یا شک دارد، امر و نهی واجب نیست.
- ۳- شخص گناهکار اصرار بر ادامه ی کار خود داشته باشد، پس اگر معلوم شود گناهکار، بنای ترک عمل و عدم تکرار آن را دارد و یا موفق به تکرار نمی شود واجب نیست.
- ۴- امر به معروف و نهی از منکر، موجب مفسده ای نباشد، مگر در مواردی که در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است.

توضیح شرایط :

الف : علم به معروف و منکر (شرط اول)

- ۱- فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم آن و جواز و عدم آن واجب است، تا آنکه در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.
  - ۲- اگر شخصی در موردی که امر یا نهی جایز نیست، امر و نهی کند، بر دیگران واجب است او را از این کار بازدارند، (چون این عمل خود نوعی منکر است)
  - ۳- اگر احتمال دهد که انجام دهنده منکر جاهل به حکم باشد، و مسأله مورد اختلاف نظر فقها نباشد، واجب است او را امر و نهی کند، به خصوص اگر جاهل مقصر باشد و احتیاط آن است که ابتدا حکم را به او یاد دهد، سپس او را نهی کند، به خصوص اگر جاهل قاصر باشد.
- در این موارد امر و نهی واجب نیست :

- ۱- آنچه را مکلف انجام داده یا ترک کرده است از مسائلی است که نظر فقها در آن متفاوت است، و بداند یا احتمال دهد که آنچه را انجام می دهد یا ترک می کند، نزد او جایز است. (مثل بازی با شطرنج بدون برد و باخت که ممکن است در نظر او از ابزار قمار نباشد).
- ۲- اگر انجام دهنده، جاهل به موضوع باشد، یعنی حکم را می داند ولی نمی داند این مورد از موارد حرام است، نهی کردن او و آگاه کردن او به موضوع واجب نیست. مثل آنکه می داند غنا حرام است ولی نمی داند، این صدا هم غناست و به آن گوش می دهد و یا می داند شراب حرام است ولی

نمی داند مایعی که می نوشد شراب است. مگر آنکه آن عمل از چیزهایی باشد که شارع مقدس بدان اهمیت بسیار می دهد مانند کشته شدن انسان بی گناه، که در این صورت نهی از منکر واجب است.

۳- اگر امر یا نهی موجب توهین به مذهب باشد، هر چند خود او توهین نداند ولی در نظر عده ای، امر یا نهی در این مورد توهین به حساب آید، جایز نیست. مگر آنکه مورد امر و نهی از موارد مهم باشد.

ب: احتمال تأثیر ( شرط دوم)

۱- اگر می داند، امر به معروف یا نهی از منکر مؤثر است امر و نهی واجب است.

۲- اگر می داند امر و نهی تأثیر نمی کند امر و نهی واجب نیست.

۳- احتمال می دهد امر به معروف و نهی از منکر مؤثر باشد امر و نهی واجب است.

۴- دو نفر عادل شهادت می دهند که امر و نهی امروزی اثر ندارد ولی خودش احتمال می دهد مؤثر واقع شود واجب است امر و نهی کند.

۵- شخصی دو کار حرام مرتکب شده و یا دو واجب را ترک کرده است که می داند، امر یا نهی نسبت به هر دو مؤثر نیست ولی نسبت به یکی از آنها احتمال تأثیر می دهد. وظیفه چنین است:

الف: می داند نسبت به یکی (به طور معین) مؤثر است و نسبت به دیگری مؤثر نیست، باید همان مورد را امر یا نهی کند، مثلاً می داند نماز نمی خواند و روزه هم نمی گیرد ولی می داند اگر به هر دو امر کند، به هیچکدام عمل نمی کند ولی اگر تنها به نماز امر کند مؤثر است، باید او را به انجام نماز امر کند.

ب: می داند نسبت به یک از آنها (به طور غیر معین) مؤثر است، در این صورت هر کدام را مهمتر است باید عمل کند و اگر هر دو مساوی است، بین آن مخیر است به هر کدام که بخواهد، باید عمل کند.

۶- اگر احتمال بدهد که امر یا نهی او در تأخیر وقوع منکر یا تسریع انجام معروف مؤثر است، امر و نهی واجب است.

۷- اگر بداند که نهی او هم اکنون مؤثر نیست، ولی می داند یا احتمال می دهد که اگر اکنون او را امر یا نهی کند، نسبت به آینده مؤثر خواهد بود، امر و نهی واجب است.

۸- اگر بداند که امر و نهی او جلوی معصیت را نمی گیرد ولی از آن می کاهد - امر و نهی واجب است و یا از معصیت مهمتری جلوگیری می شود هر چند معصیت کوچکتری انجام می شود.

۷- مسائلی که هنگام امر به معروف و نهی از منکر باید مراعات شود :

۱- اگر بداند امر و نهی ، بدون تقاضا و نصیحت و موعظه اثر نمی کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و تقاضا همراه کند، و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، واجب است به همین گونه عمل کند.

۲- اگر بداند یا احتمال دهد که امر یا نهی اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.

۳- اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه در تنهایی) اگر انجام دهنده، آن عمل را به طور آشکار انجام می دهد، جایز، بلکه واجب است که او را در جمع نهی کند، و اگر چنین نیست ، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۴- اگر بداند که امر یا نهی او نسبت به مخاطب مؤثر نیست ولی نسبت به فرد دیگری مؤثر است ، واجب است که به اولی امر یا نهی کند، بدان قصد که نسبت به دومی مؤثر باشد.

۵- اگر بداند که امر فرد خاصی نسبت به وی مؤثر است، واجب است که به آن فرد امر کند تا او را بدان کار وادارد.

۶- اگر فردی طوری است که اگر او را نهی کند، آن عمل را تکرار می کند ولی چنانچه او را امر کند ترک می کند، در صورتی که محذور دیگری در بین نباشد، واجب است او را امر کند.

۷- اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجب باشد، جایز نیست و وجوب ساقط است، مگر آنکه مسأله از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلف از آن نباشد، مثل قتل انسان بی گناه، ولی آنچه را برای نهی از قتل مرتکب می شود بدین اهمیت نباشد ، مثل اینکه برای جلوگیری از قتل انسانی ، لازم باشد وارد خانه دیگران شود.

۸- اگر بداند که امر و نهی در صورتی مؤثر است که به او اجازه‌ی ترک واجب یا ارتکاب حرام دیگری را بدهد. مسأله چند صورت دارد :

الف : اگر هر دو مساوی هستند، جایز نیست و امر و نهی هم واجب نیست.

ب : آنچه را اکنون مرتکب می شود یا اجبی را که ترک می کند مهمتر است، مثل قتل انسان بی گناه، اجازه دادن جایز است.

ج: آنچه که اجازه‌ی انجام آن را می خواهد مهمتر است ، جایز نیست و وجوب امر و نهی هم ساقط است.

ج- بنای بر استمرار گناه (شرط سوم)

- ۱- اگر می داند که انجام دهنده‌ی آن عمل ، بنای ترک آن را دارد امر و نهی واجب نیست.
- ۲- اگر نشانه های ترک عمل از وی ظاهر شود و از آن ، نشانه های یقین حاصل شود که تکرار نمی کند، امر و نهی واجب نیست.
- ۳- اگر پشیمانی و توبه از او آشکار شد، امر و نهی واجب نیست.
- ۴- اگر نشانه ای که موجب گمان به ترک عمل می باشد از وی ظاهر شد، امر و نهی واجب نیست.
- ۵- اگر قبلاً بنای تکرار عمل را داشته است ولی اکنون معلوم نیست که قصدش باقی است یا نه؟ بنا بر احتیاط واجب باید او را نهی کرد.
- ۶- مراد از استمرار ، مداومت بر انجام کار نیست بلکه ارتکاب آن عمل است، هر چند یکبار دیگر باشد، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد ، امر به معروف واجب است.
- ۷- توبه‌ی از گناه واجب است، پس اگر معصیتی مرتکب شود واجب است فوراً توبه کند، و اگر توبه از او ظاهر نشد ، امر او به توبه ، واجب است، و همچنین اگر شک دارد توبه کرده است یا نه ؟ و این ، غیر از نهی از گناه است که انجام داده است، پس اگر می داند که بنای استمرار آن گناه را ندارد ولی توبه هم نکرده ، باید او را به توبه‌ی از گناهی که مرتکب شده امر کند.
- ۸- اگر از حال او، اطمینان حاصل شد و یا از راه دیگری معلوم شد که بنا دارد معصیتی را مرتکب شود، هر چند هنوز هم مرتکب نشده ، جلوگیری از او واجب است.

د : امر و نهی موجب مفسده نباشد (شرط چهارم)

در این موارد امر و نهی واجب نیست :

- ۱- بداند که نهی او سبب ضرر جانی و یا آبرویی یا مالی قابل توجهی به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهان و یا سایر مؤمنان می شود.
- ۲- اگر نهی او سبب ضرر فعلی نیست ولی در آینده ضرری به او می رسد، واجب نیست.

چند مسأله

۱- اگر برپا داشتن واجب یا جلوگیری از منکر متوقف بر صرف مال باشد، چنانچه در حرج و مشقت واقع نمی شود، خوب است که صرف کند، ولی اگر مورد امر و نهی از مسائلی است که در اسلام اهمیت بسیار دارد، بذل مال هم واجب است.

۲- اگر معروف یا منکر، از اموری است که در اسلام از اهمیت بسیار برخوردار است، مانند حفظ جان عده ای از مسلمانان، و هتک نوامیس آنان یا محو آثار اسلام و ... باید مراعات اهمیت بشود، و هر آنچه که لازم است از بذل مال و جان و هر چه اهمیت کمتری از این موضوعات دارد، صرف شود.

۳- اگر بدعتی در اسلام واقع شود و سکوت دانشمندان دینی و رهبران مذهبی، سبب هتک اسلام و ضعف عقاید مسلمانان شود، بر آنها واجب است که به هر وسیله ی ممکن نهی از منکر کنند، هر چند بدانند مؤثر واقع نمی شود.

#### ۸- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین تر مقصود حاصل شود عمل به مرتبه بعدی جایز نیست، و آن مراتب به طور اختصار چنین است:

الف: با معصیت کار، طوری عمل شود که بفهمد به سبب ارتکاب معصیت با او اینگونه عمل می شود مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره ی عبوس با او برخورد کند و یا ترک مرأوده و رفت و آمد کند.

ب: امر و نهی با زبان، یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است دستور دهد که واجب را به جا آورد و به معصیت کار دستور دهد که معصیت را ترک کند.

ج: استفاده از زور و جبر برای جلوگیری از منکر و اقامه ی واجب.

چند مسأله:

۱- اگر ترک معاشرت با معصیت کار سبب ترک معصیت به طور کلی نیست ولی سبب تخفیف آن می باشد، باید ترک معاشرت کند، و این در صورتی است که با عمل به دو مرتبه ی بعد مقصود حاصل نمی شود.

۲- اگر گناهکار ترک معصیت نمی کند مگر با جمع مرتبه ی اول و دوم، یعنی هم ترک معاشرت و هم گفتن، واجب است، که به هر دو مرتبه عمل کند.

۳- اگر جلوگیری از معصیت متوقف بر این باشد که دست او را بگیرد و یا او را از محل معصیت بیرون ببرد و یا ابزار را از دست وی بگیرد، واجب است به همین نحو عمل نماید.

۴- از بین بردن اموال معصیت کار جایز نیست مگر آنکه جلوگیری از معصیت متوقف بر آن باشد، که در این صورت اگر اموال او را تلف کند، ضامن نیست.

۵- اگر جلوگیری از معصیت متوقف باشد بر زندان کردن معصیت کار واجب است به همین گونه عمل کند، ولی از مقدار لازم نباید تجاوز کند- مثلاً اگر یک روز او را در جایی حبس کند معصیت را ترک می کند، نباید بیشتر از آن طول بدهد.

۶- اگر جلوگیری از معصیت متوقف بر کتک زدن گناهکار باشد جایز است، ولی باید زیاده روی نشود و بهتر است از مجتهد جامع الشرایط اجازه بگیرد.

۹- اذن حاکم شرع در امر به معروف و نهی از منکر

اگر جلوگیری از معصیت حاصل نمی شود مگر با مجروح کردن و یا کشتن معصیت کار، جایز نیست مگر با اجازه‌ی مجتهد جامع الشرایط، با وجود شرایط آن، مگر آنکه منکر از اموری است که شارع مقدس به آن اهمیت بسیار می دهد و به هیچ وجه راضی به انجام آن نیست، واجب است جلوگیری از آن به هر نحو که ممکن باشد، هر چند با جرح و قتل گناهکار- مثل آنکه کسی بخواهد شخصی را به ناحق بکشد.

۱۰- آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است، آمر به معروف و ناهی از منکر این گونه باشد:

۱- در امر و نهی مانند طیب دلسوز و پدری مهربان باشد.

۲- در امر و نهی مصلحت طرف را در نظر بگیرد.

۳- امر و نهی او لطف و رحمتی بر معصیت کار و بر امت اسلامی باشد.

۴- قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از هرگونه وسوسه و برتری جوئی پاک کند.

۵- خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطائی از او سر زده است، دارای صفات پسندیده ای باشد، که مورد محبت الهی است، هر چند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

بخش دوم

استفتائات از حضرت امام خمینی (ره) در باب امر به معروف و نهی از منکر

س ۱ - در شرایط امروز وظیفه ما نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

چيست؟

ج - در فرض احتمال اثر و اجتماع سایر شرایط واجب است.

س ۲ - معاشرت با افرادی که عمل حرامی چون مشروب خواری و ... انجام داده اند، چگونه است؟

ج - باید مراعات شرایط مقرر نهی از منکر نمایند و ترک معاشرت یکی از درجات نهی از منکر است.

س ۳ - افرادی در ادارات هستند که انسان احساس می کند با انقلاب میانه ای ندارند و فقط ظاهر خود را

عوض کرده و احتمالاً گاهی اوقات هم کارشکنی می کنند آیا معرفی این طور افراد به مقامات ذی صلاح

مملکت از نظر شرعی اشکال دارد؟ رفت و آمد خانوادگی با آنان چه صورتی دارد؟

ج - در صورتی که کارشکنی بکند بعد از ارشاد معرفی او اشکال ندارد.

س ۴ - دوستی با کسی که مسلمان است و فرایض دینی خود را نظیر نماز و روزه انجام می دهد، ولی اعتقادی

به ولایت فقیه و رهبری امام خمینی و به دولت جمهوری اسلامی ایران ندارد و طرز فکر التفاطی دارد، آیا

لازم است با مباحثات، امر به معروف و نهی از منکر را انجام داد؟ یا قطع رابطه کنیم؟

ج - او را ارشاد نمایید.

س ۵ - یکی از نزدیکان مخفیانه تریاک می کشد تکلیف من نسبت به او چیست؟ لطفاً فتوای امام را نسبت به

خرید و فروش و کشیدن تریاک بنویسید.

ج - او را ارشاد نمایید خرید و فروش تریاک جایز نیست.

س ۶- آیا با اینکه می بینیم مردم در آشغالیها و زباله ها نان و برنج و گوشت و ... می ریزند وظیفه‌ی ما نسبت به این امور چیست؟ با اینکه اصراف و تبذیر و بی احترامی به نعمت های الهی است.  
ج- با مراعات شرایط ، امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

س ۷- مدتی است در مغازه‌ی دوخته فروشی مشغول به کار هستم، صاحب مغازه قسم های ناروا و دروغ های بیجا برای فروختن جنس خود می خورد، آیا از نظر شرعی اشکال دارد من آنجا کار کنم یا نه ؟ در ضمن جای دیگری برای کار کردن ندارم، آیا شریک جرم او هستم یا نه ؟  
ج - کار کردن در آنجا اشکال ندارد ولی دروغ گفتن و قسم دروغ حرام است او را نهی از منکر نمایید.

س ۸- شخصی مدت زیادی با رفت و آمدهای مشکوک و برخورد شبهه آمیز با همسر یکی از اقوام ، شوهر او را وادار نموده تا او را طلاق دهد، و پس از عده با او ازدواج کرد، البته این شخص در زمان طاغوت در بین دوستانش مشهور به فساد و فحشاء بوده و توبه هم نکرده، رفت و آمد اقوامش با چنین شخصی چگونه باید باشد؟

ج- قطع رحم جایز نیست و رفت و آمد اشکال ندارد و با مراعات شرایط مقرر امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

س ۹- بنده دارای چهار پسر عمو و یک دختر عمو می باشم که به طور کلی اهل عبادت نیستند که هیچ ، اکثر درآمد آنها از قمار و خرید و فروش مواد مخدر می باشد و به مقدسات مکتب من نیز توهین می کنند و با حکومت طاغوتی گذشته که منافع آنها را از راه نامشروع تهیه می کرد موافق بوده و می باشند و حال هم در انتظار حکومت طاغوتی هستند، انشاءالله که در خواب هم نخواهند دید آیا من می توانم با ایشان آمد و رفت نمایم؟

ج- قطع رحم نکنید و تا می توانید آنها را ارشاد نمایید.



س ۱۰- اگر زنی در زندگی اولاً اطاعت از شوهر نکرد ثانیاً برای شوهرش ارزش قائل نبود ثالثاً اسرار زندگی را در همه جا فاش نمود رابعاً در زندگی مرتب دروغ گفت تکلیف مرد از نظر شرعی با چنین زنی چیست؟  
ج- باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

س ۱۱- چندین سال است که ازدواج کرده ام، خودم خیلی دنبال مسائل دینی و شرعی هستم و مقلد امام می باشم، متأسفانه همسرم زیاد به مسائل دینی اهمیت نمی دهد و بعضی اوقات پس از خیلی سر و صدا یک دفعه نماز می خواند و چند دفعه نمی خواند و این امر مرا زیاد رنج می دهد، در اینجا وظیفه من چیست؟

۱- آیا خوردن غذایی که او درست می کند از نظر شرعی جایز است؟

۲- آیا در این مورد، در روز قیامت، من مسئول نیستم؟

۳- آیا در اثر بی توجهی او به دین، باید او را طلاق داد؟

ج- اگر منکر خدا یا رسول یا یکی از ضروریات دین نیست پاک است و باید او را امر به معروف کنید و اگر مؤثر نباشد شما معذور هستید و لازم نیست طلاق دهید و اختیار طلاق در دست خود شما است.

بخش سوم

استفتائات از مقام معظم رهبری در باب امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۱: همانگونه که مستحضر هستید، بسیاری از مسافران هنگام عبور از گیت‌های بازرسی با وضعی زننده و خلاف شئون اسلامی ظاهر می شوند، آیا برادران و خواهرانی که در این گیتها جهت رعایت مسائل امنیتی مسافران را کنترل می کنند در خصوص امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند، یا خیر؟

ج- تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه شرعی عموم مسلمین و در همه جا باید انجام شود.

سؤال ۲- استفاده از شبکه های تلویزیونی ارسالی از ماهواره و همچنین از شبکه های تلویزیونی کشورهای حوزه خلیج فارس برای ساکنین استانهای مرزی چه حکمی دارد؟

ج- برنامه های ارسالی از ماهواره های غربی و بسیاری از کشورهای هم جوار متضمن بدآموزی و قلب حقایق و مشتمل بر برنامه های لهو و فساد است، استفاده‌ی از این گونه برنامه ها از آنجا که موجب گمراهی و افتادن در مفسده می شود، حرام است. البته اگر برنامه های قرآن و امثال آن باشد شرعاً اشکال ندارد.

سؤال ۳- استفاده از شبکه های تلویزیونی ارسالی از ماهواره برای کارمندان نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور چه حکمی دارد؟

ج- حکم همان است که در پاسخ سؤال اول بیان شد و فرقی بین کارمندان نظام جمهوری اسلامی و سایر مکلفان در این باره نیست.

سؤال ۴- وظیفه مردم در قبال بدحجابی و مفسادی که در جامعه به دور از چشم نیروهای انتظامی و یا در ملاء عام گاهی دیده می شود چیست؟

ج- نهی از منکر با مراعات شروط شرعی آن است.

سؤال ۵- آیا جرح و قتل در امر به معروف و نهی از منکر را به وسیله‌ی عامه مردم جایز می دانید و یا اینکه تفصیل قائلید، جرح (جایز باشد) و قتل (جایز نباشد) و اینکه هیچکدام را روا نمی دانید.

ج- تا حد امر به معروف و نهی از منکر لسانی و مراوده ای با مراعات شروط شرعی آن وظیفه‌ی عموم است، زاید بر آن مؤکول به نظر مرجع قضایی صالح و مسئولین ذی ربط انتظامی است.

س ۶- در صورتی که فردی بخواهد ازدواج کند و به خاطر جو نامساعد خانواده و مذهبی نبودن اقوام، از بعضی اعمال خلاف شئون اسلام نمی تواند جلوگیری کند از جمله همین آلات لهو و لعب و یا دیگر مسائل خلاف شرعی که هست، آیا باید با افرادی مثل پدر و مادرش برخورد کند یا تا پایان مراسم عروسی و عقد خویشنداری کند؟

ج- در صورت تحقق موضوع و شرایط نهی از منکر، وظیفه‌ی نهی از منکر دارد.

س ۷- آیا فقط یکبار تذکر دادن در امر به معروف و نهی از منکر برای فرد عادی رفع تکلیف می شود؟  
ج- اگر در تکرار تذکر، احتمال تأثیر بدهد تکرار واجب است.

س ۸- مراتب امر به معروف نسبت به کسانی که خدای ناکرده نماز به پا نمی دارند و نهی از منکر در برخورد با کسانی که شئون اسلام عزیز را در اعمال و گفتارشان مراعات نمی کنند را بیان فرمائید (مانند تراشیدن ریش، نیش زدن به انقلاب اسلامی به خاطر بعضی کج سلیقگی ها و ...)  
ج- در حد بیان و تذکر لسان و احياناً ترک مراده موقتاً، اگر احتمال تأثیر داشته باشد وظیفه عمومی است.

س ۹- وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسائل خلاف شرع (فساد و بدحجابی) که در جامعه گسترش یافته چیست؟

ج- در هر صورت وظیفه آحاد مسلمین در موارد مقتضی تذکر، نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر با مراعات شروط مقرر است.